

۳۷
۳۲۵۹

کتاب : روضه الاحیاء
فی کبریة النبی ص و دلال
والاصحاب
عطا محمد البرزنجی
فضل الرحمن رستمی
۳۰۵

۷۰۷۸

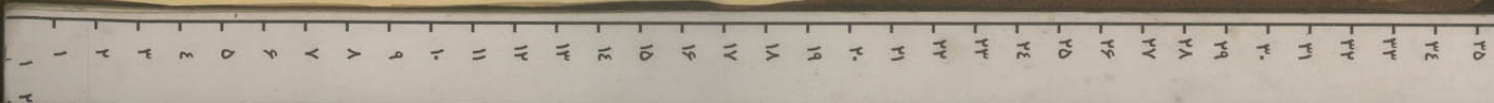
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب روضه الاحیاء فی کبریة النبی و الاصحیاء

مؤلف: عطا محمد البرزنجی
مترجم: فضل الرحمن رستمی

شماره قفسه: ۳۲۵۹

شماره ثبت کتاب: ۳۲۵۹



۳۷
۳۲۵۹

کتاب : روضه الاحیاء
فی کبریة النبی ص و دلال
والاصحاب
عطا محمد البرزنجی
فضل الرحمن رستمی
۳۰۵

۷۰۷۸

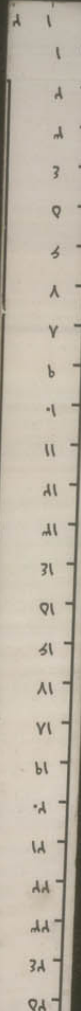
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب روضه الاحیاء فی کبریة النبی و الاصحیاء

مؤلف: عطا محمد البرزنجی
مترجم: فضل الرحمن رستمی

شماره قفسه: ۳۲۵۹

شماره ثبت کتاب: ۳۲۵۹



۳۷
۳۲۵۹

کتاب : روضه الاحیاء
فی سیرة النبی ص و دلال
والاصحاب
عطاء الرحمن
فضل الرحمن
مترجم
شماره قفسه ۳۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب روضه الاحیاء فی سیرة النبی و الاصحیاء

مؤلف: محمد باقر بن عطاء الرحمن بن فضل الرحمن

مترجم: دستکشی شمس‌الدین شمس‌الدین

شماره قفسه ۳۷

شماره ثبت کتاب ۲۲۵۹

جمهوری اسلامی ایران

۳۷

۳۷



۱
۱۴



۳۷

۳۲۵۹



۳۷
۳۲۵۹



هذا كتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في هذا الكتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

الكتاب من ان كان
في روضه احباب

المفتي
المفتي



الكتاب من ان كان

هذا كتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في هذا الكتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

هذا كتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في هذا الكتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

الكتاب من ان كان

المفتي

المفتي

المفتي

المفتي

المفتي

الحمد لله الذي جعل في هذا الكتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

الكتاب من ان كان

المفتي

المفتي

المفتي

المفتي

المفتي

المفتي

المفتي

المفتي

هذا كتاب روضه احباب
في سير النبي صلى الله عليه واله
لعطاء الله فضل ولقبه جمال الحسين
بسم الله الرحمن الرحيم

برهان اول که در این کتاب است که هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است و هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است...

برهان اول که در این کتاب است که هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است و هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است...

کتابخانه

برهان اول که در این کتاب است که هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است و هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است...

کتابخانه

برهان اول که در این کتاب است که هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است و هر چه در این کتاب است از طرف حق است و هر چه در این کتاب است از طرف باطل است...

کتابخانه

خبرها نیز در آن زمان که با جدان و صاحب آن جدا شد بود و بعد از آن در میان ما و ایشان
از یکدیگر جدا شدیم و در آن وقت که در میان ما و ایشان در میان ما و ایشان در میان ما و ایشان
عبدالله **تذکره ای است و مشتمل بر آنست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که**
آورده اند که چون عبدالمطلب در روز حفر بنو مزین با سه عاله توفیق و قله آمد و خوشی کرد
که اگر اولاد پس از او بودی و از برای خدا تو را آن کند خیر علی در هر چه بود و چون همه بعد بلوغ
سیدان در خلافت کردند و خوشی و قله و یکی ایشان را توفیق کرد و صورت حال را اولاد ایشان
بیان کرد ایشان گفتند اختیار از آنست که اگر ما را در هر حال که ما را در هر حال که ما را در هر حال که
پیمان بسیار و سرور گشت آنکه در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
نوشته بعد از آن که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
بود و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
بجمله آنکه در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
انداز بودیم و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
از این معنی و از آنست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
محمیه و جنات پس در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
نیز در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
ظاهر شدی و از آنست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
وقت خجانی نمود از سر عهد بر آنست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که

کعبه

تذکره

ی با او رفت و بقیه را در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
آن همه رفت و صورت و آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
بر پیم که شب در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
رفت و گفتند آنست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
جواب چنانست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
دو روز پس از آنکه در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
انرا از این که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
که آن شرکاء در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
ما فدا شدی عبدالمطلب شود و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
الله بداد شد و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
سکندر در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
المطلب خداوند تعالی را ضعیف شد و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
با این مقدار در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
و بنام شتر پیمانی آمد پس عبدالمطلب را الهی بیان حاصل شد حمد خدای تعالی
بشکر و رسانید و عبدالمطلب از آن خلاص شد و از آن جهت حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله و سلم نیز بود از آنست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
یا بحق و عبدالمطلب علی اختلاف الفریقین فریق النبیون و فریق اهل بیت است و در آن روز که
و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
المطلب فرموده است شتران را تو را آنست که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
و خوش و صید و سیاح نیز مطلق یافتند و فرقه کامله الا که در آن روز که در آن روز که در آن روز که
و بنا بر هر چه صد شتر گشت و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که



و بعد از آن

اجل سائر تو

عمر

بسم الله الرحمن الرحيم

که گفتند ایام خردی میگوید و غیر آن زمان بود بدندان تیرنه از زمین برداشت
و توجه بجانب خانه که شد و بجهت رفت و با وی از زمین بر نیویست آنکه تصویر
بصورت و بنام بان بود **و در این زمان** آنست که گفت چون محمد تو که بنام او ابراهیم
سیدان است آنرا بنام او بنام بود و ای محمد هم کرده برداشت و اینچنین منش
غایب ساخت و **و در آن زمان** که سنا و میسکت و بیدر شرف و غیره بنام او برداشت
اینجا بنام او در راه برکت بروی کتف او با جامه مکت حقیقت بیوشانند و بر پیر روی
ابراهیم عرض کند و بر تمام در راه از آنرا اصل بر با او نام و صفت و صبر است
بنام است بدین معنی که نام و بر با هاست که **و در این زمان** که **و در این زمان**
هر وی در این زمان با نفا نشاند الا که در میان او و محمد شوق است آن کلمه او را با نام او در پیچیده
در قطعه انصوت سیدان که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان**
سازنده بود نه و کلید چند در دست وی و کی سینه بر کتف محمد فدا کت کلید
بخت و کلید نصرت و کلید خزان با در **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
شیدم آن ابراهیم بن بریند هم کرد و از نظر من غایب کرد ایند زاده ان با او **و در این زمان**
که سناوی میسکت بر روی در راه از آن جهت که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
انص و حق و اوج اصفاست آن وقت **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و سنا **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
بصورت و جمال و صفت و سنا و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و در این زمان که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
که در هیچ آنحضرت که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
آنست که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
آب زلال آنکه حرم با وی چید و کویت **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ع

نام و در این زمان که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
بطور و در وقت با آن است تعالی ما شاء الله **و در این زمان** که **و در این زمان** که
عن **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
کی بی انساب از طبع وی ایشان بی تابید **و در این زمان** که **و در این زمان** که
یومید **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
انان طشت لولئی بی پستانا بود **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
آن با حبیب الله هر کوی فلان زنده که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
میان طشت نفاوان غیب کتند **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
با عید که خدای تعالی آنجا را تیره وی ساخت **و در این زمان** که **و در این زمان** که
نخست **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
از آن ابراهیم **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
بشند **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
عاش **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
کوی **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
من از آن **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
عاش **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
توان **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
در **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
چه **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
وی **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
سین **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
زیر **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که

و بنوعی شکر او فرمود

ع

و ایلیس و چون وی را محبوس بنا خشت روی ناله و فریاد عظیم کرد **و در این زمان** که
ابلیس لعنه الله علیه **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
صلی الله علیه و آله **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
که آن سرفه **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
آنکه **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
باشد **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و در آن **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
در اعلام **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
محمد **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و در این زمان که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
صفت **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
شب **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
ابراهیم **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
عروج **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
صلی **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
بزرگ **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
از آن **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
نوع **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
دوم **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ع

کیم چشم خورای سالیتم **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
زهر **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
از نور **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
آن **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
دین **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
پن **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
اسدی **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
آن **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
در **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
کف **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
دین **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
از **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
حال **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
سره **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
سیره **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که
و **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که **و در این زمان** که

تکلیف او فرمود

بسم الله الرحمن الرحيم

پس وی هرگز بی عتق حاتم طایر که عرقه مشرقی است و در کسان واقع شده و از حضرت
پنجم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که موت حضرت عبدالمطلب را یاد داری زنده آری و من
درک داشتند ساله بودم و آنرا هم این روایت که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت جنان
عبدالمطلب پرسیدند و فرمودند که **آنکه عبدالمطلب با جمعه امم کفالت آنحضرت را با او طالب**
حواله نمود که یکی از این امم سر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و بعد از آنکه از او کفالت آنحضرت را با او طالب
بود که سایر پنج امم آنند **و بعد از آنکه او طالب و زهره را با کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم**
سنگ زنده زود تمام او طالب و زهره را پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بخیر ساختند که کفالت کدام
یک از امم است خوبتر است از آن سر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و آنکه او طالب را کفالت نمود و چون در
وای امر خدا شد غنا کفالت آن یکی بقیه امم میسر شد و زهره را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
یو احوال تمام می نمود چنانچه از طرف حضرت و خواهر بعد از آنکه او طالب را با او طالب میداشت و
تمام میسر شد از آن جهت که در وقت زهره و در وقت عبدالمطلب همه در وی سترام طعام می یافتند
و بعد از آنکه او طالب را چند ساله مالی بنمود و عیال بسیار داشت چون بچسبیدن آن سر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
و بعد از آنکه او طالب را در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و چون وی در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
و طعام ایشان را میدادند و بیکت حضرت مسطفی صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آنکه او طالب را
و کفالت را با او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
و چون از خانه بیرون رفتی و در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آنکه او طالب را
عکس و آله و سلم کفالت آنرا بخود برد و در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آنکه او طالب را
و کفالت را با او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
پایان آنکه **و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم**
و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
دوستان و ساله و ماه و ده و در آن وقت آن سر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
عزم تمام و با جمیع شامها شد **و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم**

سید عالم
زین روایت
در کتاب

تفسیر
نصیری
در شرح
تفسیر
نصیری
در شرح
تفسیر
نصیری
در شرح

تفسیر
نصیری
در شرح
تفسیر
نصیری
در شرح

دانش

و کتب

داشت که پیش از آنکه در آنجا بود و با خود بیرون رفت و آنوقت از آنجا که ایام من بر آنجا
میکارند بود و در آنجا بود هر چه از آنجا بود و با خود بیرون رفت و آنوقت از آنجا که ایام من بر آنجا
و هرگز از وی بیرون نرفت و با خود بیرون رفت و آنوقت از آنجا که ایام من بر آنجا
تا رسیدند به یکی که کفالت نمودند میان آن دو و در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
و اخبار نقل کرد و بعد از آنکه در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
آن نیز به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و در آنجا بود و در آنجا بود
کتاب اسطوری معلوم کرد و بعد از آنکه در آنجا بود و در آنجا بود
بسیاری بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
کرد و در سایه فلان درخت در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
صومعه نمود که در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
بدانکه که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
نشان آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
برایم صومعه بر آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
انداخت بود که کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
مؤدیان آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
آنکه در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
با هم خود او طالب در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
انراخت **و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم**
کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

تفسیر
نصیری
در شرح

تفسیر
نصیری
در شرح

تفسیر
نصیری
در شرح

تفسیر
نصیری
در شرح

در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود
بزرگداشت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
بجز آنکه در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
خداوند بویان را در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
رسد و از مجلس برخاستند و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
هر دو نفر رفتند و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
او طالب کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
اهتمام تمام نمایی و از عبادت خود با آن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
تا وقت نشانی برین و چنانکه در آنجا بود و در آنجا بود
صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
سوزند اتفاق بود تا حضرت حال وی معلوم کند و الا او بت پرست بود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
پس بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
بوسه داد **و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم**
در میان هر دو نشانی آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
بود و وقت موعود را در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
چندان لغز لغز **و بعد از آنکه او طالب را کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم**
بودند در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
که ام که امری در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
کسی را در پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
آن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفالت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

تفسیر
نصیری
در شرح

تفسیر
نصیری
در شرح

نوشته بود و حق ساخت و بعد از آنکه بدین جهت از کجا و چه کسی که...

بایم

باین جهت باقی ماند و بدین جهت که بعد از آنکه بدین جهت...

معاذم برایت که قلیل
از رسد از این دست
کدام هم منظران

از فرزند عبدالمطلب رسیده است...
و کتبی که در این باره...
و کتبی که در این باره...
و کتبی که در این باره...

از فرزند عبدالمطلب رسیده است...
و کتبی که در این باره...
و کتبی که در این باره...
و کتبی که در این باره...

سید

بامر من است قیاسی واجب و اقرار بکویت و بعد برین با این که در این باره امر است...

و بعد غلبت با ان درین مورد...

که در این حال در آن عین نامه مشق و در وقت مبادت و آنچه در بعضی شکست...

الحاصل العالما

و همچنانکه در این وقت بود با آنکه گفت و همان جواب شد هفتم گفت...

حسب حساب قدر اینها در ظاهر و بجز و تطبیق در این احوال و در بعضی...

نسخه کتب

نسخه کتب

نسخه کتب

Handwritten marginal notes in the top right corner of the left page, including the word 'اشتمع'.

Main text on the left page, starting with 'اشتمع' and continuing with a narrative or commentary.

مجان

Main text on the right page, continuing the narrative or commentary from the left page.

Handwritten marginal notes in the top right corner of the right page.

Main text on the left page of the right-hand spread, starting with 'اشتمع'.

مجان

Main text on the right page of the right-hand spread, continuing the narrative.

از چها هزاره همد بود **اول** آنکه در عیاشی را مستقر میکردند گفت مسلمانان و برادران پرهیز
آوردند و در حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود اما اسلام می خیزد بگفتن مینماید و بحسب
ظاهر با جنگ بجبری و برحیض و در پی بد داد خاصه خود و در اندر راهات عقیدت باقی
طالب و در خلیفان با کثرت جمعیت قوت بعین جمیع کفتم و در جمیع احوال آنها را برهم **دوم** آنکه
گفت بخیر می که عتق قودت و پشور مردم و در از ایشان جزیره می خواهد بود آن خلاصه که در زمان پرهیز
آوردند بر وجهی از انقضای پیوستگی و لغوی با و کی که اگر ما در پرهیز سفیر بودیم و باقی خود را در پرهیز
توجه بود و در پرهیز از آن فرزانان چند بگریزید که از آن فرستادند تا در پرهیز را و در پرهیز در میان
و در پرهیز بی زور می گویید ای سلامت بود که در آن علم این **فصل** آنکه در آن وقت قوجون داشتی بود و در آن
مرا خیر می کردید عبا حرکت سکون هم می کرد که در آن وقت که در آن حال که در میان زور دست و کی
میدادیم هیچ کس برین امر مطلع نبود همان غلبه علی **فصل** آنکه در آن وقت که در آن حال که در میان زور دست و کی
از پاره اوست و در آن شده که عبا در دست جنگ دست پاره اوست و در آن وقت که در میان زور دست و کی
که او را از جنگ و کس یا سیزده کس از قریش بود که از فرام کرد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
و در پاره اوست طعام لشکر با آن بخوردند و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بودند مسلمانان که کفندی و در آن وقت که در میان زور دست و کی
طالبا را از آن جنگ و در آن وقت که در میان زور دست و کی
گفت و در آن وقت که در میان زور دست و کی
فصل که در آن وقت که در میان زور دست و کی
خبر بر علیه السلام آمد و آنکه در آن وقت که در میان زور دست و کی
نیز در وقت عتق العتقی و آنکه در آن وقت که در میان زور دست و کی
باشند از آنکه در آن وقت که در میان زور دست و کی
گفتند که در آن وقت که در میان زور دست و کی
در این وقت من می بینم ای ایقان حصار مدینه و در آن وقت که در میان زور دست و کی

الذکر فیهم العتق و تشریح الطایر
اسم لایعین ارمه و زور انوار
و کلمات نازم و در آن وقت که در میان زور دست و کی
و غیره و در آن وقت که در میان زور دست و کی
عالمه و علی الاوانی
و کلمه و در آن وقت که در میان زور دست و کی
ناید

و اعزاز

داغ از آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
لایق با آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
گاه باشد که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
کین بود و در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
راستی خود و در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
کرد که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
توقیف آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بسیاری غرالی یعنی پنهان سازی در آن وقت که در میان زور دست و کی
که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
مرا دانست که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
گفت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
نویس که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بگفت تا فاتی الحفظ و در آن وقت که در میان زور دست و کی
رسید از آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بگفت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
از آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
و در آن وقت که در میان زور دست و کی
ایشان که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
تکلیف و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بهت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و در آن وقت که در میان زور دست و کی

نصایح

15

با علی در آن وقت که در میان زور دست و کی
ملاک است و در آن وقت که در میان زور دست و کی
افغانی ما را در آن وقت که در میان زور دست و کی
گفت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
ملاک است و در آن وقت که در میان زور دست و کی
که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
نویس که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
رسید از آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بگفت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
از آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
و در آن وقت که در میان زور دست و کی
ایشان که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
تکلیف و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بهت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و در آن وقت که در میان زور دست و کی

سید جبرئیل
غریب و در آن وقت که در میان زور دست و کی

که آنچه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
نویس که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
رسید از آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بگفت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
از آنکه در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
و در آن وقت که در میان زور دست و کی
ایشان که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
تکلیف و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بهت که در پرهیز آمد و در آن وقت که در میان زور دست و کی
بد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و در آن وقت که در میان زور دست و کی

نصایح

16

و اعزاز

ابعد الله وکبر بر سر است سخن نرفت و در جسد حضرت طرح و مطالبات کرد و با او و بر سر
معه و مغرور شده و **روایت** که جناب ابن سفلون کلابی می بود بقیات بیع الی وجه آید و
با پدرش صلی الله علیه و آله و سلم بنا به گفته و تالیف چند حضرت نشت بود پیش از ولایت
آنکه جناب **کا** گفت بدین روز نشت با حسن از این مختار بودی عیالی که در آن وقت
او را پیش از این عیالی نباشد گفت آری او را حسن است آری گفت از من حسن از وی و سواب
صلی الله علیه و آله و سلم از این عیالی است آری گفت از من حسن است آری گفت از من حسن است
یک چشم بر سر کرد و چون ما پیش از حضرت فرمودند ما را پیش از این حال آنکه بعد از آن گفت
من با آن سخن در پیش می آمم و صلی الله علیه و آله و سلم گفت من می فرمودم که من با او
بنمود و هر چه با او افتاد بود نام او تعیین آن بشارت مباح کند و پیش از این عیالی بود و با
و پدرش حضرت صلی الله علیه و آله و سلم که می آید و در آن وقت شرب خمر می خورد و بسیار
او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
آنکه از این عیالی است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
و سواب او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
طریقه آن بود که چون قافله بدین راه آمدند پیش از این عیالی است و با او را می زد
بودی از ایشان بخبر می دیدم و نیز پیش از این عیالی است و با او را می زد و با او را می زد
و گفته بر این حق آوردم و چون صاحب تالیف آنرا از ایشان مطلع گردید آنرا بنزد حضرت
آوردی و گویی با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
تو بر این آوردم و چون می گویان می گویان و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
تو را نداشتی و نیز با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
عادت بدین صلی الله علیه و آله و سلم است آن بود که می آید و با او را می زد و با او را می زد
متفان هر روز در آن قیام می فرمود و در آن وقت در آن عیالی است و با او را می زد
و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد

روایت

روایت حضرت که از بعضی و طوایف بسیار بر سر داشت و از این بر سر داشت و از این بر سر داشت
جمعه پیش از آنکه بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت
ساخته و طعام خورد و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت
و دست چپ بر سر داشت و از دست راست بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت
و چون بگویی چیزی بداری بدست دست بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت
و کما در چشم راست سه سیل و در چشم چپ سه سیل و در چشم چپ سه سیل و در چشم چپ سه سیل
و سواد و بر سر داشت و از این بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت
که شب بدین صفت می فرمود آنرا با او می فرمود و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
و چه و می آید از این بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت و بر سر داشت
اطلاعت صحیحی داشت آنرا که موجب مبارک است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
نیک کرد و از بعضی چیزها معلوم می شود که شب آنحضرت مرتبه نسبت بود که
محتاج به عیالی است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
آن صفت بدست موی نسبت به هر چه میان ولایت نفی و اشیاء است که حضرت
کا می فرمودی و شکرین صلوات خدا بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
نیک کرد و در آن بر سر داشت که از حضرت است آنکه بوی خوش چون بسیار با او را می زد
بر سر داشت که سبب تفریق موی می شود و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
حضرت است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
بر این حضرت است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
می فرمودند و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
و چون موی غانق در آن وقت می آید و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
بسیار از این بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
که بگویی در هر موی عسکره و در هر موی عسکره و در هر موی عسکره و در هر موی عسکره

و آن سر بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
السلام علیکم و علی آئینت السلام و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
در هر موی دیگر است که السلام علیکم و علی آئینت السلام و با او را می زد و با او را می زد
نقصی در هر موی آن سر بر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
و در این مختص است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
صفت بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
چون است که فرمود چون از آن سر بر داشت و با او را می زد و با او را می زد
بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
آنکه آن حضرت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
ایشان گفتند السلام علیکم و علی آئینت السلام و با او را می زد و با او را می زد
کردی که السلام علیکم و علی آئینت السلام و با او را می زد و با او را می زد
در پشت سخن اهدی شد تا ایمان نیاید و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
دلائل غمناک بر سر داشت که موجب دست است اشیاء صالحه که در میان یکدیگر و در هر موی
و از آن سر بر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
و در هر موی بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
معدی نقلی آنکه است که پیش از این بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد
بعضی از این بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
یا هم نقلی بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
سلام بر وی سبقت کرد و بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
تا خود بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
بنمود و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد

و آن

خیزد هم الله در مصنفات خویش آورده اند که حضرت صلی الله علیه و آله و سلم تمام روز
آن روز و در هر موی آن حضرت است آن بود که از این بر سر داشت و با او را می زد
سبقت بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
قال حضرت جواب داد که کلامه که بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد
دفعی از ایشان است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
اجت است از این بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
تو حق تعالی است که السلام علیکم و علی آئینت السلام و با او را می زد و با او را می زد
و بر سر داشت و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
دارد و چون عالمی را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
شادان را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
بدین صفت است که السلام علیکم و علی آئینت السلام و با او را می زد و با او را می زد
و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
الآنکه است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
دو سق و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
بهر یکی یک سق و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
تا کام ایشا نرود است بنا بر هر موی با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
میرساند و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
یکه از جانب دست با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
الآنکه است و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
سلام کند و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد و با او را می زد
که معنی آن است که السلام علیکم و علی آئینت السلام و با او را می زد و با او را می زد

و آن

۷۸۸
ص ۳۷



۳۷



نفت
سوقی قاروت بکونیه



